

## متن پرسش

با عرض سلام خدمت شما استاد گرامی: با توجه به جواب سوال ۱۱۱۹۳، آیا شما منکر این سخن ابن سینا هستید که: ابن سینا: سؤال می کنیم از سوفسطایی که آیا اینکه واقعیت را انکار می کنید به حق بودن حرف خودتان علم دارید یا به باطل بودن آن علم دارید یا در آن شک دارید. اگر گفتند علم داریم که حق است یا علم داریم که باطل است پس به حقیقتی اعتراف کرده اند و اگر گویند که شک داریم به آنها گفته می شود که آیا به شک خودتان علم دارید یا به آن هم شک دارید اگر گفتند که شک داریم باز گوئیم که به شک خود علم دارید یا نه و همینطور تا بی نهایت اگر شک آنها ادامه داشته باشد که این می شود تسلسل و محال است. یا آیا منکر دلیل بدیهی و محکم زیر هستید در مورد محال بودن تسلسل شک؟ هر شک وابسته به دو احتمال اثباتی و سلبی است، یعنی در دیدگاه شک کننده هر یک از دو طرف سلب و اثبات ممکن الوقوع است، در غیر این صورت، شک به یک جاده ی یک طرفه تبدیل می شود و دیگر شک نخواهد بود. بر این مبنا، باید در دیدگاه شک کننده، هر یک از دو طرف اثبات و سلب ممکن الوقوع باشد، یعنی او به دو گزاره ی «طرف اثباتی ممکن الوقوع است» و «طرف سلبی ممکن الوقوع است» مطمئن باشد و به محتمل بودن هر یک از آنها یقین داشته باشد، زیرا اگر به جای اطمینان و یقین، به هر یک از دو گزاره ی فوق شک داشته باشد، گرفتار یک تسلسل بی پایان خواهد شد، مثلا اگر به گزاره ی «طرف اثباتی ممکن الوقوع است» شک داشته باشد، خود این شک به دو احتمال اثباتی و سلبی قبلی وابسته خواهد شد، یعنی در دیدگاه او ممکن الوقوع بودن طرف اثباتی و ممکن الوقوع نبودن آن هر دو محتمل خواهد بود؛ بنابراین، احتمال اثباتی اول، خود به دو احتمال اثباتی و سلبی قبلی وابسته خواهد شد و چون، طبق فرض، هر احتمالی خود امری غیریقینی و مشکوک است، باز برای هر احتمال قبلی به دو احتمال سلبی و اثباتی قبل تری نیاز خواهد شد و به همین صورت این زنجیره تا بی نهایت پیش خواهد رفت و گرفتار یک تسلسل محال خواهیم شد. معنای این سخن این است که برای شک در یک گزاره، باید به بی نهایت گزاره ی قبلی شک داشته باشیم و بی نهایت احتمال سلبی و اثباتی را تعقل کنیم و این چیزی است که با محدودیت های ذهنی ما ناشدنی است؛ بنابراین، شک بدون یقین، ناشدنی و ناممکن خواهد بود و این همان ادعای ماست که هر شک به یقین وابسته است و آن، یقین به ممکن الوقوع بودن طرف اثباتی و سلبی گزاره ی مشکوک است. به نظر بنده به هیچ وجه نمی توان محال بودن تسلسل شک را انکار کرد چون

امریست بدیهی

باسمه تعالی: سلام علیکم: اشکال ندارد این طور که می فرمایید وارد شویم، ولی صحبت بر سر آن است که چرا تسلسل در شک باطل است؟ مگر اگر به شک خود علم داشتیم منجر می شود که از شک خارج شویم؟ طرف می گوید آری به شک خود یقین دارم و این یقین، یقین به شک است و منجر به رفع شک نمی شود. باید در مورد رفع شک موضوع بدیهی بودن علم به خارج را از یاد نبرد. خوب است که نظری هم به جواب سؤال شماره ی ۱۱۱۹۹ بیندازید. موفق باشید